

# ۱۰ اصل ضروری برای

محمد مجتاز

خواهد داشت. این مشکل با بنده اخلاقی حل نمی‌شود که بگویند خوانند یکی را فقیر آفریده یکی را غنی، سرنوشت او این بوده سرنوشت تو این بوده، ما این حساسیت منفی درست خواهد شد و وقتی بین فقیر و غنی وجود نخواهد داشت.

در توضیح نابرابری‌های اجتماعی این مسأله عنوان شد که این نابرابری‌ها در مسأله مالی نیست. نابرابری‌های سیاسی هم همین‌طور هست. آسان در طبع خودش نسبت به کسی یا گروهی که به‌طور چشمگیری قدرت سیاسی در دست آنها متمرکز است و سرنوشت این افراد بنا به اراده آنها را گذار شده حساسیت منفی پیدا می‌کند این طبیعت انسان است مسأله این که حق من چیست؟ حق تو چیست؟ حساسیت منفی پیدا می‌کند. من چندی پیش کتابی می‌خواندم درباره دموکراسی که تمام اندیشه و نظر بره‌هایی را که در لزوم دموکراسی که چرا باید حکومت دموکراتیک باشد در آن آورده از آغاز تاریخ تا حالا نظر از فیلسوفان بسیار قدیمی می‌تواند دید. من می‌توانم ببینم سرنوشت سیاسی او دست دیگری است و از انواع و اقسام قدرت‌ها بهره‌مند است و مرتب قدرتش را به چشم می‌کند و به نمایش می‌گذارد. از آن قدرت انواع استفاده‌ها را می‌کند و این هم در کناری نوشته بود که من می‌گویم، دموکراسی آن فیلسوف پیشنهاد می‌کند که در حکومت مردم بر مردم از این جهت می‌گوید که اگر می‌تواند نوشته بود که من می‌گویم، دموکراسی این باشد حتماً آسان‌ها را در مقابل همدیگر قرار خواهد داد. این نکته خیلی برایم جالب بود که گفته بود انسان به طبع اینطور است هر آنچه در دیگران هست می‌خواهد قسمتی از آن را او هم داشته باشد. قدرت هم همین‌طور است فکر کنید که قدرت از این مسأله مستثنی است.

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**  
در این چند دقیقه‌ای که بنده وقت دارم می‌خواهم در باره ۱۰ اصل صحبت کنم که این ۱۰ اصل در سلسله نشست‌هایی که چندسال پیش بنا به دعوت یکی از دانشگاه‌های اتریش از چند نفر انجام شده بود بنده به یکی از آنها بودم و همه آنها از اساتذات دانشگاه و متخصصان حقوق اقتصاد، الهی‌دان مسلمانان و مسیحیان بودند و این جلسات چندین‌سار تکرار شد نهایتاً به جمع‌بندی رسید و موضوع این جلسات این بود که برای تحقق صلح پایدار جهانی توجه به چه اصولی در سطح داخلی کشورها و بین‌الملل ضروری است که بدون آنها صلح جهانی امکان‌پذیر نیست. قطعنامه‌های آن جا صادر شد به ۲ زبان انگلیسی و آلمانی که در آن جا به ۱۰ اصل تأکید شده و من همان ۱۰ اصل را به صورت مختصر این جا خدمت‌تان توضیح می‌دهم و هر کدام از آنها را کسی شرح می‌دهم.

**اصل اول:** این است که صلح پایدار جهانی بدون عدالت و عدالت بدون صلح پایدار جهانی قابل تحقق نیست در اصل تأکید شد روی این مسأله که نمی‌شود عدالت را از صلح تفکیک کرد. نمی‌شود از گروهی یا جامعه‌ای یا ملتی خواست صلح را مرعات کند بدون آن که حق این نهادت صلح را رعایت و همچنین نمی‌شود درخواست کرد از جامعه‌ای و گروهی عدالت را رعایت کنند بدون عرض صلح به آنها آن روزها به خصوص به مثالی که خیلی رویش تکیه می‌شد جریان فلسطینی‌ها بود که مرتب از آنها صلح و پایبندی به صلح خواسته می‌شود بدون این که عدالت در حق آنها مراعات شود پس بدون عدالت صلح محقق نمی‌شود و بدون صلح عدالت محقق نمی‌شود.

**اصل دوم:** صلح پایدار جهانی در جهانی که نابرابری‌های اجتماعی و فقر و گرسنگی در آن وجود دارد، محقق نمی‌شود. نمی‌شود نابرابری‌های فراوان در زمینه‌های مالی، اقتصادی و سیاسی زمینه‌ها وجود داشته باشد. در عین حال در یک جامعه‌ای که گوییم که شما با هم با صلح زندگی کنید و با آرامش زندگی کنید این امکان پذیر نیست و همچنین ممکن نیست در صحنه بین‌المللی دولت‌ها و پادشاهان بسیار فروتنند و در سطح بالایی از راه‌های پادشاهان دولت‌ها و ملت‌های فقیر، در عین حال از آنها خواسته شود شما با هم در کمال صلح و آرامش زندگی کنید این محقق‌شدنی نیست. باید نابرابری‌های اجتماعی و فقر و گرسنگی در حد امکان از میان برداشته شوند تا زمینه‌های خودشان فراهم شود. آسان‌ها با هم و زمینه همکاری بین‌المللی برای تحقق از میان برداشتن فاصله‌ها محقق شود.

وقتی کسی یا ملتی در راه چشمگیری و با قدرت بسیار یا فاصله از قدرت دیگران به سر می‌برد و ملتی دیگر یا کسانی دیگری در فقر قرار یک حساسیت منفی خوانده‌خواهد به آن برخوردند و قدرت‌مدانان

## نگاه

### نمایش برای صلح جهانی از منظر مذهب شیعه و اجاب است

سید محمد موسوی بجنوردی



برود با خود رحمت می‌برد مسلمانان با یهودیان و مسیحیان دشمنی نطلبند و نباید یهودیت را مسأله مسیحیت و اسرائیل خط کرده آفای بآن یمن برای برقراری صلح تلاش می‌کند. باید یاد داشت که ما تمام مسیحیت و یهودیت مسکنی نداریم چرا که همه در آدیان را از راهی و بگانه‌پرست می‌دانیم. موسوی می‌گوید: مسیحیت را برای صلح با یهودیت بیشتر کات خود سخن گویند و در آن اسلوب متحد شوند. صلح دانا هرگز نمی‌تواند امری باشد. درگیری هموار است مگر این که جنگ دفاعی باشد و افراد برای استقلال از نامیست‌ها نبوی صلح پایدار جهانی خود دفاع کنند. صلح پایدار جهانی از صلح است. مسأله‌ای که امروز با قلبی آکنده از درد می‌گویم این است که مسیحیان عمل می‌کنند و گروه‌های گوناگون

برود با خود رحمت می‌برد مسلمانان با یهودیان و مسیحیان دشمنی نطلبند و نباید یهودیت را مسأله مسیحیت و اسرائیل خط کرده آفای بآن یمن برای برقراری صلح تلاش می‌کند. باید یاد داشت که ما تمام مسیحیت و یهودیت مسکنی نداریم چرا که همه در آدیان را از راهی و بگانه‌پرست می‌دانیم. موسوی می‌گوید: مسیحیت را برای صلح با یهودیت بیشتر کات خود سخن گویند و در آن اسلوب متحد شوند.

در آن اسلوب متحد شوند. صلح دانا هرگز نمی‌تواند امری باشد. درگیری هموار است مگر این که جنگ دفاعی باشد و افراد برای استقلال از نامیست‌ها نبوی صلح پایدار جهانی خود دفاع کنند. صلح پایدار جهانی از صلح است. مسأله‌ای که امروز با قلبی آکنده از درد می‌گویم این است که مسیحیان عمل می‌کنند و گروه‌های گوناگون

تأکید دارد ما مخالف جنگ هستیم مگر این که بخواهیم خود در برابر تجاوز دفاع کنیم. ما کتب به کسی حمله نکردیم. در طول دفاع مقدس نیز از خود در برابر تجاوزات صلح دفاع کردیم و مطمئناً مردم عراق نیز آن زمان با صلح همراه نبودند. اگر به اسرائیل هم مشکل داریم به خاطر این است که او امتناز داشته است و هر که کسلمان شود جان و مالش محترم خواهد بود. اسلام واقعی و ناب هر چه



رسوب کرده این رسوبات مالت تحقق نزدیک شدن انسان‌ها به یکدیگر و صلح پایدار جهانی است. **اصل پنجم:** صلح پایدار جهانی به وجود نمی‌آید مگر این که بنیادهای کثرت‌گرایی اجتماعی به رسمیت شناخته شود. کثرت‌گرایی در تفکر، کثرت‌گرایی در وجدان‌ها و آزادی دینی، هر نوع کثرت که در عالم انسان پیدا می‌شود و از خاصیت انسان بودن، یکی از خواص انسان بودن کثرت است. انسان یک چنین موجودی است که هر کسی یک گری پیدا می‌کند، هر کسی یک اعتقادی پیدا می‌کند، هر کسی دینی پیدا می‌کند مگر آنهایی که ملاتبع یک دین می‌شوند. تحقیق می‌کند تا تابع یک دین شوند. عامل و دلایل گوناگونی دست به دست داده‌اند که این مسلمانان و آن مسیحی استند آن یهودی آن زشتی است.

واقعیت این است: تاریخ بشر را که نگاه کنیم اینچیزی است و وقتی که کثرت‌گرایی در همه زمینه‌ها در زمینه‌های دینی در کثرت‌گرایی در همه زمینه‌ها باید به رسمیت شناخته شود. در تفکر سیاسی، در اعتقادات دینی در عادات در آداب، در رسوم، در فرهنگ‌ها، هیچ‌کس از این موضع حرکت نکند که می‌خواهم آن را تغییر دهم یا ردش کنم. فقط آنچه که خودم درست می‌دانم می‌خواهم این تحقق پیدا کند. اینها وجود نداشته باشد. در آن جلسه‌ها به خصوص روی این تأکید شد برای به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی از آنجایی که بیشتر کسانی که آنجا بودند به‌رحال با یک‌اندیشه مذهبی جمع شده بودند. همه آن حقوقدان‌ها، اقتصاددان‌ها و الهی‌دان‌ها چه مسیحی و چه مسلمان، اینها خوشحال هم انسان‌های معتقدی بودند، روی این مسأله خیلی کینه شد کثرت‌گرایی دینی باید به رسمیت شناخته شود.

یکی سوپرفهم اتفاق می‌افتد در کثرت‌گرایی دینی معمولاً اینچنین تصور می‌شود که کثرت‌گرایی دینی معنایش این است که سوآزادی دین خودتان را داشته باشی منم آزاد است و دین خودم را داشته باشم. آن شخص سووم منم آزاد است و دین خودم را داشته باشم. او آزاد دینی این نیست آزادی دینی این است که من و شما به هر کسی حق مشارکت سیاسی بدهیم در عین حفظ دین خودش. بگویم تو دین

## کوشندگان صلح

